

بیانیه الجزایر، کلاهی بزرگ بر سر ملت ایران

۲۹ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۵۴

عزت‌الله سبحانی از فعالان ملی - مذهبی می‌گفت: زمانی که بیانیه صادر و امضا شد، آنقدر برای طرف آمریکایی شوک‌آور و امیدوارکننده بود که از واژه Jump استفاده کرده بودند. یعنی طرف از فرط خوشحالی از جای خود پریده بود!

بازخوانی مقاطع مهم تاریخی پس از سال‌های طولانی اگر هیچ حسنی نداشته باشد یک حسن دارد و آن عبرت‌آموزی از گذشته برای آینده است تا اگر در گذشته دچار اشتباهاتی بزرگ شدیم از آنها درس گرفته و برای آینده بتوانیم از عبرت‌ها حسن استفاده را نمائیم. این روزها همزمان با بحث‌های حقوقی ایران پیرامون مذاکرات هسته‌ای، بازخوانی بیانیه الجزایر و سرانجام آن می‌تواند درس‌های بسیاری را به همراه داشته باشد. اما بیانیه الجزایر چه بود و چرا تبدیل به نقطه‌ای منفی در کارنامه برخی از سیاسیون مذاکره‌کننده در آن زمان شد؟ شرح بیانیه

در پاییز سال ۱۳۵۹ با میانجی‌گری دولت الجزایر برای حل مسئله گروگان‌های سفارت آمریکا، هیئت‌های دو کشور ایران و آمریکا در الجزایر به مذاکره پرداختند. سرپرستی هیئت ایرانی با بهزاد نبوی بود. سرانجام پس از حدود دو ماه مذاکره، موافقت نامه‌ای میان دو کشور به امضاء رسید که به بیانیه الجزایر معروف شد. به اعتقاد کارشناسان بررسی مفاد این توافق نامه، عمدتاً به نفع دولت آمریکا و به ضرر جمهوری اسلامی ایران بود.

در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۱ (۲۹ بهمن ۱۳۵۹) وزارت امور خارجه آمریکا اعلام داشت که : ایران نفعی از این توافق‌ها نمی‌برد. ایران سرانجام ناچار شد با شرایط حل و فصل موافقت کند؛ صرفاً برای این که وضعیت موجود را حفظ کند.

این بیانیه شامل اصولی بود که دربرگیرنده تعهدات دولتی ایران و آمریکا در مقابل یکدیگر است. تعهدات آمریکا در مقابل ایران عبارت بود از: ۱- تعهد حتی‌المقدور ایالات متحده به بازگرداندن وضعیت دارایی‌های ایران به دوره قبل از ۱۴ نوامبر ۷۹ (۲۳ آبان ۵۸) که تاریخ صدور دستور انسداد سرمایه‌های ایران از طرف رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود.

۲ - لغو کلیه تحریم‌های تجاری علیه ایران

۳- استرداد دارایی‌های ایران در آمریکا

۴- استرداد دارایی‌های شاه ایران

۵- تعهد به عدم مداخله در امور داخلی ایران

« پس گرفتن کلیه دعاوی مطروحه آمریکا در دادگاه‌های بین‌المللی علیه ایران.»

۶- در مقابل، ایران نیز متعهد شد که بعد از امضای بیانیه، تمامی گروگان‌ها را آزاد کند. اما گذشت زمان نشان داد که آمریکایی‌ها چندان به مفاد بیانیه پایبند نبوده و به بهانه‌های مختلف، از اجرای بسیاری از اصول آن سر باز زدند.

میزان تعهد طرفین به اصول قرارداد

حادثه گروگان‌گیری نقطه‌ی عطف سنگینی در تاریخ سیاسی آمریکا بود و آمریکا، به تلافی اشغال سفارت خود در تهران، بسیاری از تعهدات توافق الجزایر را نقض کرد. مهم‌ترین تعهدات آمریکا در این بیانیه، عدم دخالت در امور داخلی ایران و استرداد مطالبات ایران بود. اما «آمریکا در موارد متعدد، سایر اصول اساسی بیانیه، مانند تعهد به عدم مداخله در امور ایران را زیر پا نهاد و ایران ناگزیر از تقدیم دادخواست به دیوان داوری برای پایان دادن به این مداخلات شد. افزون بر آن، آمریکا تحریم‌های تجاری را که به موجب بیانیه‌ها ملغی اعلام کرده بود، در سال‌های جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ هـ.ش) و پس از پایان آن، به انواع و روش‌های دیگر برقرار کرد. این در حالی است که تعهدات مذکور در بیانیه‌های الجزایر، محدود به زمانی خاصی نبود.» آمریکا نه تنها در طول جنگ عراق علیه ایران بسیاری از تحریم‌های اقتصادی، نظامی و... را مجدداً اعمال کرد، بلکه با حمایت از حکومت صدام، منجر به تحکیم دیکتاتوری صدام در منطقه نیز شد.

در رابطه با پرداخت مطالبات ایران نیز مطابق مواد ۲، ۳ و ۴، آمریکا متعهد شده بود که کلیه تحریم‌های تجاری ایران را لغو کرده، اموال محمدرضا پهلوی را به ایران بازگرداند و دارایی‌های ایران را که پس از بحران گروگان‌گیری توقیف شده بود، آزاد کند. این مطالبات شامل مطالبات کالای نظامی، مطالبات نقدی، اموال محمدرضا شاه و... می‌شد که در مجموع حدود ۵/۱۳ میلیارد دلار بود و قرار شد در سه نوبت به ایران پرداخت شود. با پایان گرفتن ماجرای گروگان‌گیری، بسیاری از تحریم‌های تجاری و نفتی بین‌المللی علیه ایران رفع شدند و آمریکا در دو نوبت حدود ۱۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را پرداخت کرد، اما از پرداخت نوبت سوم سر باز زد.

علاوه بر این، اموال شاه نیز تاکنون به‌طور کامل پرداخته نشده است و همچنان حدود ۲.۵ تا ۳ میلیارد دلار از وجوه نقد و طلای ایران، سرنوشتی نامشخص دارد و در اسناد بیانیه‌ی الجزایر نیز اشاره‌ای به آن نشده است. در مقابل، ایران به تمامی تعهدات خود پایبند بود و یک روز بعد از بیانیه‌ی الجزایر، به تعهد اصلی خود که همان آزادی گروگان‌ها بود، عمل کرد. اما متأسفانه مبالغ زیادی

از داشته‌های ایران در آمریکا برای پرداخت قروض به نهادهای آمریکایی در آمریکا بلوکه شد و به مردم، سازمان‌ها و مؤسسات آن کشور پرداخت شد.

همین موضوع باعث شد تا برخی عنوان کنند «که تشکیل دیوان داوری به نفع آمریکا تمام شده است، زیرا این دولت ضمن توفیق در آزادی گروگان‌ها و مصالحه با ایران، توانست مرجعی ایجاد کند که احکام قضایی مورد نیاز خواهان‌های آمریکایی را صادر می‌نماید.» گروهی از کارشناسان علت این نتایج را ضعف کادر مذاکره‌کننده‌ی ایرانی و خوش‌خیالی آنان به مذاکره می‌دانند و معتقدند که «بهزاد نبوی تجربه و توانایی برای این مذاکرات را نداشت. او حتی کوشش نکرد از تعدادی که از نظر حقوقی کم‌وبیش می‌توانستند او را یاری کنند کمک بگیرند و در گروه او یک حقوق‌دان قابل قبول نیز وجود نداشت.»

واقعیت این است که اقدام گروگان‌گیری برای آمریکاییان بسیار سنگین و تحقیرآمیز بود. بنابراین آن‌ها به هر طریقی درصدد تلافی کردن بودند: «واژه‌ی تحقیر واژه‌ای است که مقامات کاخ سفید در کتاب‌هایی که پیرامون گروگان‌گیری نوشته‌اند، بارها به کار بسته‌اند. هامیلتون جردن در خاطرات خود می‌نویسد که مردم آمریکایی که در مقابل سفارت ایران در آمریکا به شدت علیه ایران شعار می‌دادند می‌گفتند: ما نمی‌توانیم این تحقیر را تحمل کنیم. آن‌ها همچنین به کرات از آشفتگی‌ها و مناقشات و درگیری‌های اعضای کابینه آمریکا و عجز و ناتوانی آمریکا و فقدان امکانات برخورد با مسئله‌ی گروگان‌گیری و عصبانیت‌ها و دنباله‌روی از ایران و... سخن گفته‌اند.» از طرفی، کشور در این برهه، دچار جنگ تحمیلی عراق و مشکلات ناشی از آن گردید و بنابراین درصدد بود تا هرچه سریع‌تر به این مسئله فیصله دهد. بعد از توافق الجزایر، آمریکا خوش‌بینانه در پی برقراری روابط با ایران به شکل سابق بود، اما این انتظار توهمی بیش نبود.

قرارداد الجزایر، توهمی خوش‌بینانه

بعد از بیانیه‌ی الجزایر و آزادی گروگان‌ها، دولت آمریکا توقع داشت که پس از حل و فصل ماجرای گروگان‌گیری بتواند سفارتخانه‌ی خود در تهران را پس بگیرد. جالب آنکه علاوه بر آمریکا، بیشتر مقامات اروپایی نیز مطمئن بودند که چنین اقدامی رخ خواهد داد. این در حالی بود که آمریکا با سیاست‌هایی چون تحریم‌های سیاسی-اقتصادی، بلوکه کردن دارایی‌های ایران در خارج از کشور، طراحی حمله به طبرس، حمایت از گروهک‌های ضدانقلاب و... در توهم‌واهی روابط مجدد با ایران به سر می‌برد. در نهایت نیز مشخص شد که آمریکایی‌ها راهی برای بازپس گرفتن محل سابق سفارت خود و برقراری روابط سابق با ایران نداشته و سفارت آمریکا در ایران برای همیشه تعطیل شده است.

مرحوم مهندس عزت الله سحابی به عنوان یکی از چهره‌های مطرح نزدیک به دولت موقت و نیروهای ملی-مذهبی نیز در نقد بیانیه الجزایر در خاطرات خود به نکات جالبی اشاره کرده بودند «زمانی که بیانیه الجزایر مورد موافقت دولت‌های ایران و آمریکا قرار گرفت باورکردنی نبود که ایران تا بدین حد از موضع خود عقب نشسته باشد و به نفع آمریکایی‌ها قراردادی را امضا کرده باشد. آن زمان نماینده دولت همین آقای بهزاد نبوی بود که رفته بود و نمایندگی ایران را بر عهده گرفته بود. آن زمان من در یکی

از روزنامه‌های آمریکایی بود که مطلبی خواندم زمانی که بیانیه صادر و امضا شد آنقدر برای طرف آمریکایی شوک آور و امیدوار کننده بود که از واژه jump استفاده کرده بودند. یعنی طرف از فرط خوشحالی از جای خود پریده بود! و باور نمی کردند ایران به سادگی چنین امتیازاتی به طرف آمریکایی بدهد.»

دکتر محمد کاشانی نیز به عنوان یکی از حقوقدانانی که به نمایندگی از شهید رجایی در روند بیانیه الجزایر قرار داشت پیرامون تبعات این بیانیه می گوید: هنگامی که بهزاد نبوی در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۵۹ در مجلس حاضر شد، پیش نویس بیانیه‌های الجزایر را به عنوان موافقتنامه ایران و آمریکا در اختیار داشت اما آنها را به ناروا به اطلاع نمایندگان مجلس نرساند و این موافقتنامه‌ها را که تعهدات بزرگی برای دولت ایران در آن ایجاد شده بود به صورت لایحه به مجلس تقدیم نکرد. در این توافقنامه‌ها برای دولت ایران تعهداتی ایجاد کرده بود که باید مجلس از آن آگاه می شد و آنها را تصویب یا رد می کرد. در نتیجه هنگامی که یک مجوز کلی در زمینه ارجاع اختلافات به داوری از مجلس گرفتند در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ توافقنامه پایانی را امضا کردند ولی تنها در ۶ بهمن ۱۳۵۹ گزارشی از آن به مجلس رسید. حال آن که قبل از امضای این موافقتنامه مجلس باید مطلع می شد و طبق اصل ۷۷ قانون اساسی این موافقتنامه به تصویب کامل مجلس می رسید.

ولی به غیر از بند ارجاع اختلافات به دیوان داوری اصل قرارداد به تصویب مجلس نرسید و این مهمترین نقطه ضعف آن بود.

کاشانی با نقد بی اطلاعی از بی اطلاعی مجلس از بندهای بیانیه الجزایر گفت: مجلس در ناآگاهی کامل به سر برد و از این موضوع حساس به دور نگه داشته شد.

اینکه شهید رجایی و هیأت دولت در این زمینه اطلاع داشته‌اند را نمی دانم ولی اگر به صورت مذاکرات مجلس در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۵۹ رجوع کنید شاهد نظرات خوب نمایندگانی به ویژه شهید آیت برای کسب تضمین از آمریکا در مورد اجرای احکام دیوان علیه آن دولت خواهید بود ولی به این توصیه‌ها هرگز توجه نشد.

کاشانی با بیان اینکه بیانیه الجزایر یکی از ضعیف‌ترین قراردادهای مورد تصویب برای یک دولت است می گوید: نخست باید با مندرجات این موافقتنامه بین المللی که به آن نام «بیانیه» داده شده است آشنا شویم. کاری که در سه دهه گذشته رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته و صدا و سیما هم سکوت مطلق درباره آن داشته است.

این بیانیه‌ها از ۳ بخش تشکیل شده‌اند. یک بخش از آن مربوط به تعهدات کلی جمهوری اسلامی است. در بخش دوم حل و فصل دعاوی پیش‌بینی شده و بخش سوم، سند تعهدات نام گذاری شده است.

گروه مذاکره کننده ایرانی در تدوین، تنظیم و نگارش این موافقتنامه‌ها نقش انفعالی داشته یعنی این موافقتنامه‌ها را دولت یا گروه مذاکره کننده امریکایی تنظیم کرده و گروه مذاکره ایرانی به بسیاری از مندرجات آن دقت نکرده و در هر حال بهزاد نبوی آن را

امضا کرده‌است؛ این در حالی است که در چنین توافقنامه‌های بااهمیتی باید بند به بند آن موردبررسی موشکافانه آن هم از سوی حقوقدانان و کارشناسان مالی قرار می‌گرفت.

این توافقنامه تنها به زبان انگلیسی امضا شده و نسخه فارسی آن به امضای نمایندگان امریکایی نرسیده است. در صورتی که در تمامی توافقنامه‌های دوجانبه رسم بر این است که موافقتنامه به زبان‌های دوطرف به امضا می‌رسد.

من یقین دارم که گروه مذاکره کننده بسیاری ازبندهای این موافقتنامه را اصلاً درک نکرده و نفهمیدند که چه تعهداتی برای کشور ایجاد کرده اند.

بیشتر بخش‌های این توافقنامه به ضرر کشورما بود و شاید در تاریخ ایران کمتر موافقتنامه‌ای را می‌توان با این درجه از یکسویه بودن یافت. تعهدات ایران به طور بسیار روشن و گسترده و تعهدات امریکا بسیار مبهم و محدود و با قید آمده‌اند.

فرجام بیانیه

بیانیه الجزایر به عنوان یکی از منفی‌ترین نقاط در مباحث سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی همواره مطرح می‌شود که به دلیل غفلت و یا عمد طرف‌های مذاکره کننده ایرانی که در راس آنها بهزاد نبوی قرار داشت باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران از رسیدن به حقوق خود بازماند و طرف آمریکایی به آسودگی بتواند از زیر بار تعهدات خود فرار کرده و به دشمنی با جمهور یاسلامی ایران ادامه دهد ، همانگونه که در ۳۵ سال بعد از این بیانیه تا به امروز نیز همین روند ادامه داشته است.

منابع:

حسین علیخانی تحریم ایران ؛ شکست یک سیاست ، ترجمه محمد متقی نژاد . تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ، ۱۳۸۰ . ص ۱۲۱ الی ۱۲۶

غلامرضا نظر بلند، دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده ، مجله سیاست خارجی . اسفند ۱۳۶۹ . ص ۵۹۶

تجربه سفارت آمریکا و درسهای آن، دو هفته نامه ایران فردا . ۲۶ آبان ۱۳۷۸ . ص ۴

بهزاد نبوی ، پاسخهایی به نقد بیانیه عمومی الجزایر ، مجله سیاست خارجی . پاییز ۱۳۷۰ . ص ۶۹۴

تحریم ایران ؛ شکست یک سیاست . پیشین ، ص ۱۱۹

ویژه‌نامه رمز عبور ۴ ، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگوی ایران با محمود کاشانی، «بهزاد نبوی با فریب مجلس توافقنامه‌ی الجزایر را مصوب کرد»، ص ۸۰.

نشریه اندیشه پویا شماره ۷

جلد دوم خاطرات مهندس عزت الله سحابی

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۰۷۶/ایران-ملت-سر-بزرگ-کلاهی-الجزایر-بیانیه>